

سخن سردبیر

رابطهٔ رویت‌پذیری و منزلت اجتماعی

رویت‌پذیری در وب، امری فنی است و مربوط به امور مهندسی است و از فرمول‌های خاص برای افزایش دیده شدن بهره می‌گیرد. اما منزلت اجتماعی از نقش اجتماعی بر می‌خیزد و نقش اجتماعی هم از نیاز اجتماعی نشئت می‌گیرد. توضیح اینکه بشر دارای نیازهای متفاوت در زندگی است و چون خود به تنهایی نمی‌تواند همهٔ آنها را برآورده کند لذا با تشکیل گروه‌ها و زندگی اجتماعی به تقسیم کار می‌پردازد و هر فرد و یا گروهی به کاری مشغول می‌شود. بسته به نیازی که مردم به آن واحد شغلی دارند و نیز با توجه به نوع خدماتی که صاحبان آن مشاغل ارائه می‌کنند حرمت و منزلت اجتماعی آنها شکل می‌گیرد.

به‌طور مثال مردم به سلامت و نیز امنیت توجه عمیق دارند که یکی جنبه فردی آن قوی‌تر و دیگری جنبهٔ اجتماعی آن پررنگ‌تر است. بدیهی است تا وقتی همه چیز برقرار است کسی ممکن است به اهمیت آنها توجه نکند؛ اما در صورت زوال هر یک، ارزش و اهمیت آنها برای عموم ملموس می‌شود. در این حال مردم قدر این دو را بیشتر می‌دانند و حاضرند هرگونه مشارکت، از خود گذشتگی و ایثار را انجام دهند تا خدمات آنها به نحو احسن صورت گیرد. این نشان از نقش و منزلت اجتماعی این دو حرفه دارد. اگر بر عکس آنها به وظائف خود توجه نکنند و مرتکب خطا شوند به همان اندازه حساسیت جامعه را بر می‌انگیزانند و نظر به داشتن منزلت اجتماعی این مشاغل، افراد ناکارآمدِ مسئول را تقیح می‌کنند و می‌خواهند که آنها جای خود را به دیگران بدهند.

در اینجا نیاز فطری انسان‌ها، نقش اجتماعی افراد شاغل را معین و آرام‌آرام منزلت اجتماعی این مشاغل را ارتقا می‌دهد. برای بیان رابطه میان رویت‌پذیری و منزلت اجتماعی می‌توان چنین نموداری را ترسیم کرد:

نیاز فطری ← نقش اجتماعی ← منزلت اجتماعی ← رویت‌پذیری ← تأثیرات فرهنگی

وقتی جمعی نتوانند نقش اجتماعی خود را به نمایش بگذارند طبعاً منزلت اجتماعی آنان و نه لزوماً آن شغل تضعیف می‌شود. در اینجا باید در نقش و نقش‌آفرینی افراد تجدیدنظر کرد. چه بسا آنها کار خود را خوب انجام می‌دهند اما رویت‌پذیری آنها مشکل دارد و مردم به خوبی و درستی از نقش‌آفرینی آنها مطلع نیستند. در اینجا فناوران باید در رویت‌پذیر کردن خدمات

آنان اقدام کنند و نسبت به نقشی که آنها دارند مردم را آگاه سازند. البته همزمان و یا قبل از رؤیت‌پذیری باید باورپذیری را هم تقویت کرد. در واقع، باور مردم نسبت به نیاز خودشان معلوم است اما اینکه فلان قشر و طبقه به انجام آن واقف و توانمندند ممکن است دچار اشکال شده باشد. باورپذیری مولفه‌ای است که به درست ایفا کردن نقش اجتماعی افراد شاغل برمی‌گردد. بنابراین اگر نقش اجتماعی بر اساس نیاز واقعی درست تبیین شود منزلت اجتماعی خود به خود پدید می‌آید و مردم نسبت به افراد شاغل در آن موقعیت ابراز احترام می‌کنند.

عکس آن هم ممکن است یعنی مردمی از اهمیت موضوعی غافل بوده‌اند ولی با تلاش تلاشگران و علاقه‌مندان به یک واقعیت، آنچنان افکار مردم تحت تأثیر قرار گرفته است که مردم به اهمیت آن واقف گردیده‌اند. فی‌المثل محیط زیست از مسائل مبتلابه همه مردم و مورد نیاز است اما ممکن است به‌خاطر سودجویی بسیاری و عدم آشنائی با ضوابط علمی، مسئله در بوته فراموشی قرار گیرد. محققان می‌توانند با تبلیغ و رویت‌پذیر کردن بسیاری از تحقیقات علمی، خطر عدم توجه را به مردم گوشزد کنند تا بلکه نقش اجتماعی افراد متولی معلوم و منزلت اجتماعی هم کسب شود. هم‌اینک بحث محیط مجازی و افراط در استفاده نادرست از آن یکی از وظائف محققان است که با تشریح درست نقش آن توسط متخصصان می‌تواند منزلت اجتماعی این حوزه ارتقاء یابد.

این مربوط به جامعه متعادل است و هرگاه جامعه از تعادل خارج شود معلوم می‌شود در جایی نقصی به وجود آمده است. به نظر من این نقص بیشتر به خاطر شکافی است که بین نقش اجتماعی و منزلت اجتماعی پدید می‌آید. زیرا که نیاز ذاتی انسان‌ها به امور مورد توجه آنها تقریباً ثابت است مگر آنکه الگوی زندگی و مصرف تغییر کرده باشد که البته این تغییرات عمدتاً صوری است و به محتوا ضرری نمی‌زند.

در مورد رشته ما علت این شکاف چیست؟ چرا مردم این حوزه علمی را نمی‌شناسند و یا چرا بهای لازم به کارکنان و متخصصان رشته آن‌طور که شایسته است نمی‌دهند؟ آیا این همانند شکاف نسلی است که به خاطر فاصله‌ای که از نظر علمی و یا استفاده از فناوری بین اولیاء و دانش‌آموزان و افراد کم سن و سال پدید آمده است و یا مانند تفاوت سنت و تجدد است که با هم جمع نمی‌شوند و یا به سختی جمع می‌شوند و یا نمی‌خواهیم آنها را جمع کنیم؟ آیا این شکاف به ماهیت رشته برمی‌گردد و یا به نقش اجتماعی آن متوجه است و یا اینکه ما نمی‌توانیم نقش خود را درست اجرا کنیم؟

اطلاع‌رسانی را همه می‌شناسند و آن را قبول دارند و به اهمیت آن هم واقفند ولی چرا ربط آن را با حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی در نمی‌یابند و یا نمی‌توانند برقرار کنند، خود به مواردی بستگی دارد که عبارتند از:

۱. مردم گرچه به اهمیت اطلاع و اطلاع‌رسانی واقف‌اند ولی معتقدند که حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی کاری در این زمینه انجام نمی‌دهد. قبلاً که نام آن کتابداری بود مردم رابطه خوبی با آن نداشتند و آن را فعالیتی نازل در درون کتابخانه‌ها تصور می‌کردند. اینک که نام آن عوض شده است با ابهام بیشتری مواجهند که حتی همان تصویر کتابخانه را هم از یاد برده‌اند. بنابراین آنها نمی‌دانند که شاغلان این حوزه چه کار مثبتی را انجام می‌دهند. و یا فکر می‌کنند که کاری انجام نمی‌دهند.
۲. گاهی ممکن است کتابدار وظیفه خود را انجام دهد ولی جامعه آن را نداند. به این معنا که تبلیغات درست انجام نگیرد و مسئولان هم که خود برگرفته از ملت‌اند به اهمیت و کارایی این قشر وقوف چندانی نداشته باشند و اگر هر از گاهی در برنامه‌های تشریفاتی ذکری از آنها به میان بیاید همانند همه اقشار دیگر باشد و یک امر معمولی به نظر برسد.
۳. پیوند بین اطلاع‌رسانی و حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی قوی نیست. گاه ممکن است این شکاف به خاطر فاصله‌ای است که بین خدمات کتابداری به معنای آنچه در درون کتابخانه انجام می‌گیرد و بحث داغ و فراگیر اطلاع‌رسانی و به‌ویژه اطلاع‌رسانی علمی که در جامعه مطرح است. مردم نمی‌دانند که کار کتابدار و یا اطلاع‌رسان چیست و از این منظر به خاطر نامشخص بودن نقش اجتماعی منزلت اجتماعی آنها هم نامعین است.
۴. با آنکه شاغلان این حرفه و وظائف خود را خوب انجام می‌دهند، مردم قدر و منزلت این حوزه را خوب نمی‌دانند و به نقش کتابداران واقف نیستند. پس باید رؤیت‌پذیری انجام شود. رؤیت‌پذیری هم ممکن است توسط خودشان با کارهای شایسته‌ای که انجام می‌دهند و یا با تبلیغات درست و یا با مسئولیت‌های خطیری که بعضاً ممکن است نصیب بعضی‌ها شود انجام می‌شود و گاهی هم ممکن است نیاز به افراد واسطی برای نمایان‌سازی فعالیت‌ها لازم باشد و یا باید با استفاده از هنر هنرمندان به‌ویژه با ساختن فیلم و امثال آن این نقش‌ها نمایانده شود تا مردم به نقش آنان واقف گردند. کتابداران در محیطی که کار می‌کنند اگر واجد شرط، خوش اخلاق، مبتکر، وظیفه‌شناس و مردم‌دار باشند به خوبی می‌توانند در دل جامعه نفوذ کنند و اهمیت کار خود را به جامعه نشان دهند.

۵. مردم دنبال اطلاع‌رسانی علمی نیستند لذا به این حوزه توجه ندارند. مردم اصولاً با پژوهش و علم بیگانه، و به دنبال مسائل روزمره و ساده زندگی‌اند و از این رو توجهی به نقش کتابدار ندارند و بالطبع منزلتی هم برای کتابدار و یا اطلاع‌رسان قائل نیستند. در این جامعه طبیعی است که علم و عالمان و محققان علمی مهجور باشند و بر این جامعه باید افسوس خورد.
۶. مردم دنبال اطلاع‌رسانی علمی هستند ولی آن را از اینترنت می‌گیرند و مشکلاتشان توسط گروه علوم رایانه حل می‌شود. از این رو مردم و محققان با دیدن دوره‌های آموزشی به استفاده از امکانات فضای مجازی واقفند و نیازی به مراجعه به کتابداران و اطلاع‌رسانان در خود نمی‌بینند.
۷. تداخل بین حوزه علم اطلاعات و کامپیوتر زیاد است و نمی‌توان آن دو را از هم تفکیک کرد. لذا با توجه به قدرت فناوری بالا در حوزه علوم رایانه نقش کتابداران و اطلاع‌رسانان تحت الشعاع قرار می‌گیرد و هر گونه تبلیغی مآلاً به نفع رقیب تمام می‌شود و این شکاف همچنان باقی می‌ماند و شاید هم بیشتر شود.
۸. کتابداران به مسائل دنیای مجازی اشراف کامل ندارند و بیشتر اطلاعاتشان را از حوزه علوم رایانه می‌گیرند. به علاوه نسبت به مسائل اجتماعی و آسیب‌های روانی باید بیشتر واقف باشند و چون به مسائل اجتماعی و روانشناختی اشراف کامل ندارند وظیفه آنان در بین سایر وظائف گم می‌شود. از این رو شکاف بین نقش اجتماعی آنان و منزلتی اجتماعی بیشتر می‌شود. علت این شکاف گاه به خاطر کم بودن آموزش‌های لازم در حوزه علم اطلاع‌رسانی، عدم اشراف به مسائل فنی دنیای مجازی و آسیب‌های فردی و اجتماعی فضای مجازی است. در واقع آنها دنباله‌رو هستند و تابع شرائطاند تا اینکه خود خلاق و مبتکر باشند و از این رونق آفرین نیستند و لذا نباید منزلت و حرمتی هم از جامعه انتظار داشته باشند.
- بنابراین هر چه دارای منزلت اجتماعی باشد خواه ناخواه رؤیت‌پذیر است ولی چه بسا مطالب رؤیت‌پذیر که منزلت اجتماعی ندارند و این به خاطر تخصیص جایگاه ناپیوسته‌ای است که به حرفه‌ای داده شده و یا صاحبان آن نتوانسته‌اند نقش اجتماعی خود را به خوبی ایفا کنند.
- اکنون ما هستیم و نقش اجتماعی‌مان در ایفای وظائف. باید از هر راهی که بتواند نقش این رشته را پررنگ کند استفاده شود. خدمت‌صدافانه و معتقدانه بزرگ‌ترین وسیله ایجاد محبوبیت

و رغبت است ولی این یک امر فردی است. در صحنه اجتماعی نیازها فزون‌تر و مشخص‌تر است. من در مقاله «کارکردهایی جدید برای کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی» به گوشه‌ای از این موارد اشاره کرده‌ام.

در دنیای امروز با وجود کثرت مشاغل و تبلیغات گسترده هر رشته به نفع خود و با ظهور علوم به اصطلاح میان‌رشته‌ای و تداخل وظائف، به قول معروف «در دل دوست به هر حيله رهى بايد کرد». امروزه بايد نقش‌هاى اين حوزه بازتعريف شوند و راه‌هاى مفيد و جذاب ابداع و در معرفى آن كوشش شود. بايد ديد آيا اين حوزه به‌طور مشخص مى‌تواند عهده‌دار وظائفي شود كه خاص آن است و ديگران نمى‌توانند مدعى انجام آن، حتى بهتر از آنان باشند. قطعاً اگر تنها به فناوری فکر کنیم گروه و یا گروه‌های رقیب قدری در مقابل ماست و ما نمی‌توانیم مدعی توانمندی بیشتر در مقابل آنان باشیم. اما اگر نقطه عزیمت خود را بهره‌برداری بهینه از امکانات فناوری در دنیای شلوغ و پر آسب کنونی قرار دهیم و هوشمندانه عمل کنیم می‌توانیم به نقش خود پایبند باشیم و آن را به جامعه تبلیغ کنیم تا منزلت اجتماعی خود را هم ارتقاء دهیم. مقالات این شماره مجله که بیشتر حول دو موضوع رؤیت‌پذیری و منزلت اجتماعی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی است می‌تواند مدخلی برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد.